

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and
Research in Persian culture, language and literature

تحلیل کاربردی رنگ در شعر أمل دنقل و سیاوش کسرای

با تکیه بر درون‌مایه یأس و امید

۱- سمانه نوروزی ۲- علی سلیمی ۳- مریم رحمتی

۱- دانشجوی دکتری زبان و ادبیات عربی، دانشگاه رازی کرمانشاه

۲- استاد گروه زبان و ادبیات عربی دانشگاه رازی، کرمانشاه

۳- استادیار گروه زبان و ادبیات عربی دانشگاه رازی، کرمانشاه

(نویسنده اول) : samaneh.nowrouzi@yahoo.com

(نویسنده دوم) : a.salimi@razi.ac.ir

(نویسنده سوم) : rahmatimaryam88@gmail.com

چکیده

رنگ از مهم‌ترین ابزارها برای جلوه هنری بخشیدن به شعر است. این عنصر در ادبیات، به ویژه ادبیات معاصر، افزون بر زیبایی بخشی به شعر نقش برجسته‌ای در القای انگاره‌های ذهن شاعر دارد. به گونه‌ای که با دقت در معانی زیرین رنگ‌ها می‌توان پرده از آرمان، اندیشه‌ها، عواطف و روحیه شاعر برداشت. بر این اساس، پژوهش حاضر با روش توصیفی-تحلیلی و در حوزه ادبیات تطبیقی درصدد کشف معانی پنهان رنگ‌های شعر أمل دنقل و سیاوش کسرای و بیان همسانی‌ها و ناهمسانی‌های آنها به ویژه از زاویه یأس و امید است. أمل دنقل شاعر معاصر مصری و سیاوش کسرای از جمله شاعران دغدغه‌مندی هستند که در زمانه‌ای پرآشوب زیسته‌اند. شرایط مشابه جامعه آنها از لحاظ نابسامانی‌های سیاسی و اجتماعی و همچنین رخدادهای زندگی شخصی این دو شاعر در محتوا و ساختار شعرشان به شدت تأثیر گذاشته است. از این رو در درون‌مایه‌های سروده‌هایشان مضامین مشترکی چون اعتراض به وضع موجود و دعوت به مبارزه به چشم می‌خورد. بررسی رنگ‌های شعر دو شاعر گویای آن است که شعر آنها با وجود شباهت در محتوا بسیار با هم متفاوت‌اند. کسرای همواره رنگ امید و روشنی به شعرش بخشیده است؛ اما در شعر دنقل رنگ یأس و تیرگی حاکم است.

کلمات کلیدی: ادبیات تطبیقی، أمل دنقل، سیاوش کسرای، رنگ، یأس و امید

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

۱. مقدمه

رنگ‌ها با ظهور در پیکره جهان هستی به تمام مظاهر آن جلوه و جلا بخشیده‌اند و زندگی بدون آن معنا ندارد. رنگ در تمام عرصه‌های زندگی و با علومی چون ادبیات، فلسفه، روانشناسی، علوم طبیعی، اسطوره، فرهنگ، هنر و دین مرتبط است. پژوهشگران علوم نامبرده به این پدیده توجه کرده و نقش برجسته آن را آشکار نموده‌اند.

شکل و رنگ از مهم‌ترین عناصر تشکیل دهنده تصویر هستند و رنگ مهم‌ترین عنصر در تجسم دنیای محسوسات در اثر ادبی است. ادبیات و به ویژه شعر از رشته‌هایی است که رنگ، کارکرد مهمی در تصویرپردازی آن ایفا می‌کند. افزون بر این، بر اندیشه، عاطفه و نگاه مخاطبان تأثیرگذار است و به شعر حس زندگی و پویایی می‌بخشد. نگاه خلاقانه و وسیع شاعران و آگاهی آنها از ظرفیت‌های نمادین رنگ، سبب شده است که کارکرد رنگ در آثار آنان برجسته باشد و از دیرباز تاکنون آثارشان را با آن مزین نموده‌اند.

شاعران با بهره‌گیری از حضور رنگ‌ها در سروده‌هایشان می‌تواند معانی جدیدی را خلق کنند و در نتیجه بر مخاطب تأثیر بیشتر و ژرف‌تری بگذارند. این امر، استعداد خالق اثر را نیز به نمایش می‌گذارد. رنگ‌ها افزون بر جنبه زیبایی بخشی که دارند به افکار و درونیات شاعر نیز عینیت می‌بخشند و وقایع دنیای او را برای مخاطب آشکار می‌سازند. شرایط سیاسی و اجتماعی روزگار دنقل و کسرای بی‌سابقه بود. تجاوز بیگانگان به وطن آنها و نالایقی کارگزاران داخلی این دو شاعر را بسیار می‌آزد. از این رو، کاربرد رنگ در سروده‌هایشان تحت تأثیر این شرایط قرار گرفت. افزون بر این، دنقل بیمار بود و همین مسئله در کاربرد رنگ‌های شعر او تأثیر گذاشت. با وجود این شرایط مشابه، انعکاس رنگ از نگاه یأس و امید در شعر آنها متفاوت است. این پژوهش در حوزه ادبیات تطبیقی و در چارچوب مکتب آمریکایی، می‌کوشد با روش توصیفی - تحلیلی به این پرسش پاسخ‌گوید که درونیات دو شاعر و درون مایه یأس و امید چگونه در شعر آنها و در قالب مؤلفه رنگ متجلی شده است.

۲. پیشینه

پیرامون رنگ و معانی آن در شعر «أمل دنقل» پژوهش‌هایی نگاشته شده است؛ اما در شعر کسرای به صورت جزئی در چند مقاله اشاره شده است. با جستجوهای که صورت گرفت ثابت گردید که درباره عنصر رنگ به شکل تطبیقی و با محوریت تحلیل «یأس و امید» در شعر این دو، تا کنون هیچ تحقیقی انجام نشده است. برخی از مقالاتی که به صورت مجزا انجام شده به شرح زیر است: مقاله «بررسی رنگ در شعر دهه‌های ۳۰ تا ۶۰ (بر مبنای آثار چهار شاعر با سبک فکری و شعری متفاوت: سیاوش کسرای، سهراب سپهری، مشرف آزاد تهرانی و فروغ فرخزاد)» نوشته اقلیما انصاری و اشرف چگینی (۱۳۹۸)، فصلنامه تخصصی سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی (بهار ادب)، با ارائه نمونه‌هایی به عنصر رنگ در شعر این شاعران به عنوان ابزار انتقال پیام توجه می‌کند. سیده فاطمه یآوری و مهدی خادمی (۱۳۹۴) در مقاله «تحلیل مقایسه‌ای رنگ‌ها در شعر سیمین بهبهانی و سیاوش کسرای»، کنفرانس ملی هزاره سوم و علوم انسانی با نگاه روانشناسی و نظریه مارکس لوشر به بررسی ویژگی اخلاقی این دو شاعر از طریق رنگ می‌پردازند.

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

محمد ماجد الدخیل (۲۰۱۶) در مقاله «اللون فی الأعمال الكاملة للشاعر أمل دنقل» مجله المشكاة للعلوم الإنسانية والاجتماعية - جامعة العلوم الإسلامية العالمية - الأردن، با بیان آمار رنگ‌های اصلی در مجموعه شعرهای دنقل، نمونه‌هایی از آن را بررسی می‌نماید.

هناء عبدالله (۲۰۱۷) در مقاله «سیمیاء اللون فی شعر أمل دنقل» مجله كلية الآداب، جامعة سوهاج، العدد الثاني و الأربعون، به بررسی نمادین رنگ‌های پرکاربرد در شعر دنقل می‌پردازد.

مقاله «سیمیائیة اللون الأخضر: القنوع و الانفتاح، جوهر العلاقة فی شعر أمل دنقل» نوشته فتن عبدالجبار، مجله جامعة التكریت للعلوم الإنسانية، العدد الثاني، به دلالت‌های رنگ سبز در شعر دنقل اشاره می‌کند.

۳. بحث

امروزه رنگ و نقش آن در ادبیات و تاروپود نظم و نثر ادبی قابل مشاهده است. رنگ‌ها، افزون بر جنبه زیبایی با داشتن بار روانی و معنایی مختلف لذت خواندن را در مخاطبین دو چندان می‌نمایند. «بررسی و واکاوی اجزای مختلف تشکیل دهنده یک اثر می‌تواند نتایج مهمی را به همراه داشته باشد. به همین دلیل، بررسی نوع و چگونگی حضور رنگ‌ها در شعر یک شاعر بسیار اهمیت دارد. روانشناسان با دقت در کاربرد رنگ‌ها به بازشناسی لایه‌های پنهان شخصیت افراد می‌پردازند و دقت در عنصر رنگ به عنوان یک عنصر روان‌پژوهانه، پنجره تازه‌ای را برای شناخت بیشتر هر اثر هنری روبه‌روی خواننده می‌گشاید که از طریق آن، می‌توان بسیاری از سلیقه‌ها، باورها، آرزوها و خواسته‌های آدمیان را بازشناخت. در این میان شاعر نگاهی دیگرگونه به هستی دارد و بی‌گمان واژگان برگزیده وی نیز دیگرگون است. شاعر با واژگان خویش تجربه‌های بصری خویش را به تصویر می‌کشد و به نقاشی با واژگان می‌پردازد. بنابراین کارکرد و اهمیت رنگ در عینی‌تر شدن و واقع‌نمایی تصاویر شاعرانه مشخص می‌گردد.» (نیکوبخت ۱۳۸۴، ۲۱۱) برداشت‌های متفاوت از معانی رنگ چه از نظر ظاهری و چه بعد روانی در گذشته متفاوت بود؛ اما با گذشت زمان شاعران از واقعیت‌های ظاهری در شعر تجاوز کردند و به نوعی از تجربه شعری دست یافتند که به آن جنبه سمبلیک یا بیان رمزی شعر می‌گویند. در این شیوه رنگ در تصویرپردازی‌های شعری به صورت یک عنصر زنده جلوه می‌کند. (نوفل، بی‌تا: ۴۱)

کاربرد رنگ در سروده‌های شاعران معاصر چشمگیر است. «گسترده‌ترین بستر نمادین رنگ در شعر معاصر، از مسائل سیاسی و اجتماعی و حوادث حاکم بر جامعه نشأت می‌گیرد و این تقریباً بر خلاف تاثیر گرایش شاعران کلاسیک است؛ چرا که در شعر کلاسیک فارسی، مفهوم سمبولیسم اجتماعی کمتر وجود داشت و شاعران کلاسیک ما کمتر به مسائل اجتماعی از قبیل فقر، بیدادگری حاکمان، بیان وضعیت طبقات پایین اجتماع و ... پرداخته‌اند و اصلاً مسائل اجتماعی را یا نمی‌دیدند یا نادیده می‌گذاشتند.» (خرمشاهی، ۱۳۷۱: ۳۱)

حاکم بودن ظلم و خفقان باعث شد که رنگ‌ها در شعر دنقل و کسرای معانی رمزآگین بیابند و گاه کشف معنای آنها نیاز به ژرف‌نگری دارد. این دو شاعر در کنار سایر آرایه‌های ادبی و صور خیال از آرایه سمبل و نماد بهره جسته‌اند. در این میان، عنصر رنگ، یکی از عناصر سمبلیک تخیل و تصویرسازی شعر آنها است که با دقت در آن می‌توان پرده از بسیاری از مفاهیم نمادین

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

اشعارشان برداشت. گویا آنها عامدانه از رنگ استفاده کرده‌اند تا با زبان نمادین آن، ذهنیات، احساسات، آرمان‌ها و دغدغه‌های خویش را از طریق تابلوای زیبا و رنگی بیان کنند. در ادامه به بررسی عنصر رنگ از نگاه یأس و امید در اشعار شاعران مورد نظر می‌پردازیم.

۳-۱- رنگ سیاه

رنگ‌ها می‌توانند احساس خوشحالی، ناراحتی، ترس و... را تحریک کنند. ما با دیدن رنگ سیاه به دلیل تأثیرات این رنگ و تجربیاتمان ناراحت می‌شویم؛ پس سیاه می‌تواند تداعی گر غم، مرگ و ناراحتی باشد. (محمدی فر، ۱۳۹۰: ۹۳) سیاه رنگی است که بدبینی و ترس را برمی‌انگیزاند و با شب و تاریکی مرتبط است. (عمر، ۱۹۹۷: ۱۳) این رنگ دارای حسی ناشناخته و پررمز و راز است و آن را نشانه تاریکی و مرگ می‌دانند. سیاه تیره‌ترین رنگ است و در واقع خود را نفی می‌کند. سیاه نمایانگر مرز مطلق است که در فراسوی آن زندگی متوقف می‌گردد و لذا بیانگر فکر پوچی و نابودی است. (لوشر، ۱۳۸۷: ۹۷)

رنگ سیاه پرکاربردترین رنگ در سروده‌های دو شاعر است. بدون شک کاربرد این رنگ در درجه اول، واقعیت زندگی شاعر و درک او از جهان را نشان می‌دهد.

ازجمله دلایل کاربرد فراوان رنگ سیاه در شعر دنقل موارد زیر است:

الف: رنجی که شاعر در شهر قاهره بعد از سفر به آنجا و دوری از وطن خود کشید. او سختی‌ها و رنج‌های زیادی برای درس و کار تحمل کرد.

ب: شکست عاطفی که شاعر در جوانی از آن رنج برد.

ج: رنج‌های شاعر فقط منحصر به جنبه روحی و شخصی نبود بلکه به جنبه قومی نیز مربوط می‌شد. او در دوران شکست ۱۹۶۷ زندگی کرد. دنقل تنها شاعری بود که شکست‌های سیاسی را قبل از رخ دادن آن دید و در شعرش آن را توصیف کرد. از این رو موجی از اندوه بر شعرش مسلط شد.

د: بیماری شاعر که از سال ۱۹۷۹ به آن دچار شد و در سال ۱۹۸۳ وفات یافت. دنقل رنجی طولانی را تحمل کرد.

ه: طبیعت رنگ سیاه این است که از آن برای غم و اندوه و درد استفاده می‌کنند. (عبدالله، ۲۰۱۷: ۱۱۶)

.. علی مَحَطَاتِ الْقُرَى ..

ترسو قطارات السُّهَادُ

فتنطوي أجنحة الغبار في استرخاء الدُّنُو

والنساء المتشحات بالسواد

تحت المصابيح .. علی أرففة الرِّسُو

ذابت عبوئهن في التحديق والرُّنُو

.. علّ وجوه الغائبين منذ أعوام الحداد

تشرق من دائرة الأحران والسُّلُو (دنقل، ۲۰۱۲: ۲۴۴)

(در ایستگاه‌های روستاها / قطارهای بی‌خوابی لنگر می‌اندازند / بال‌های غبار در سستی نزدیک شدن در هم می‌پیچند / و زنان سیاه‌پوش / زیر چراغ‌ها.. بر اسکله‌ها / چشمانشان در خیره‌شدن آب شد / شاید چهره‌های غایبان از سال‌های عزا / از قلمرو غم‌ها و فراموشی طلوع کند.)

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

تاثیر رنگ سیاه در این قصیده واضح است. شاعر از رنگ سیاه برای ترسیم تابلو روزگارش که سرشار از شکست بود استفاده کرد. واژگان به کار رفته در آن مانند «سهاد، غبار، حداد، احزان و سلو» سایه‌ای از دل‌تنگی مناسب با رنگ سیاه را ترسیم می‌کنند و در عینی سازی فضای اندوه بسیار مؤثرند. دو واژه «سواد» و «حداد» نشانه مرگ هستند و حزن حاکم بر فضای شعر را پررنگ می‌کنند.

والطرقات تلبس الجوارب السوداء

وتغمر الظلال روح القاهرة... (همان: ۱۵۴)

(راه‌ها جوراب‌های سیاه می‌پوشند / و سایه‌ها روح قاهره را می‌پوشاند.)

شاعر با جان‌بخشی به راه‌ها و پوشیدن جوراب سیاه، تاریکی و ترس حاکم بر فضای کشورش را بازتاب می‌دهد. به عقیده شاعر کشور او توسط سایه‌ها تسخیر شده است.

من شرفتي كنت أراها في صباح العطلة الهاديء

تنشُر في شرفتها على خيوط النور و الغناء

ثياب طفليها.. ثياب زوجها الرسمية الصفراء

قمصانه المغسولة البيضاء

... والآن بعد أشهر الصيف الرديء

رأيها.. ذابلة العينين و الأعضاء

تنشر في شرفتها على حبال الصمت و البكاء

ثيابها السوداء! (همان: ۱۳۲)

(از بالکنم در صبح تعطیل آرام او را می‌دیدم / در بالکنش بر رشته‌های نور و آواز پهن می‌کند / لباس‌های کودکانش، لباس‌های رسمی زرد همسرش / پیراهن‌های شسته شده سفید او / ... و الان بعد از ماه‌های شوم تابستان / او را دیدم.. با چشمان و اعضای پژمرده / در بالکنش بر طناب‌های سکوت و گریه پهن می‌کرد / لباس‌های سیاهش را!)

شاعر رنگ‌های روشن مانند زرد و سفید را در آغاز قصیده آورده است تا گذشته‌ای که سرشار از زیبایی و سرور بوده است را ترسیم کند. او در ادامه قصیده با بیان حزن، گریه، سکوت و در نهایت لباس‌های سیاه به تصویرسازی سرنوشتی اندوهناک و مبهم می‌پردازد.

یکی از معانی رنگ سیاه بیان ذلت و خواری است. (زغریت، ۲۰۰۵: ۲) دنقل با بهره‌گیری از این کاربرد رنگ سیاه، ننگین بودن اشغال صحرای سینا را برای هموطنانش بیان می‌کند.

اللوحة الأخيرة

خریطة مبتورة الأجزاء

كان اسمها سیناء

ولطخة سوداء

تملاً كل الصورة (دنقل، ۲۰۱۲: ۳۱۹)

(تابلوی آخر / نقشه‌ای قطعه قطعه شده است / اسمش سینا بود / و لکه‌ای سیاه / تمام تصویر را پر می‌کند.)

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and
Research in Persian culture, language and literature

در سروده‌های سیاوش کسرایی نیز این رنگ نشانگر ناامیدی، خستگی و حزن است؛ اما او مانند دنقل تسلیم این تیرگی شرایط حاکم نمی‌شود و حتی در اوج ناامیدی فرارسیدن صبح و روشنایی را انتظار می‌کشد:

با شعله‌های ای امید دلبسته منم
بیدار نگهدار تن خسته منم
در چشم شب سیاه می‌سوزم و باز
آن شمع به راه صبح بنشسته منم (کسرایی، ۱۳۹۱: ۲۵۹)

شاعر زندگی، شادی و دنیای زندگان را می‌پسندد و از تسلیم شدن، سوگواری و جامه سیاه بیزار است:

صبح است
برخیز ای شب آمده غمگین غمگسار
کاین جامه سیاه غم آلوده بردریم
وز خون آفتاب
سهمی به راه توشه، بر زندگان بریم (همان: ۷۲۲)

به شادی شما است
که در انبوهه این همه اندوه
سیاه
از تن شعرم می‌کنم (همان: ۶۱۳)

۳-۲- رنگ سفید

رنگ سفید از رنگ‌های پرکاربرد و پرطرفدار در ادبیات است. «سفید جزء رنگ‌هایی است که معمولاً با مفهوم مثبت جلوه می‌کنند و در معنای مثبت خود، نمایانگر روشنایی، پاکی، معصومیت و بی‌زمانی است.» (اسماعیلپور، ۱۳۷۷: ۲۲) «این رنگ را رمز خیر و هر چیز زیبا قرار داده‌اند.» (خیتی، ۱۹۸۶: ۳)

این رنگ، رنگی دوست‌داشتنی است که بر امید و خوشبینی و پاکی و صفا دلالت می‌کند. دلالت این رنگ اغلب مثبت است؛ اما دلالت آن برای أمل دنقل متفاوت است. شاعر در قصیده «ضد من» حالت روحی خود را که بیمار و در بیمارستان بستری است، نشان می‌دهد:

في عُرْفِ الْعَمَلِيَّاتِ
كَانَ نِقَابُ الْأَطْبَاءِ أبيضَ..
لَوْنُ الْمَعَاطِفِ أبيضَ..
تَأْجُ الْحَكِيمَاتِ أبيضَ.. أَرْدِيَةُ الرَّاهِبَاتِ..
المَلَاءُ
لَوْنُ الْأَسْرَةِ.. أَرْبَطَةُ الشَّاشِ وَالْقَطْنِ
قِرْصُ الْمُنْمُومِ.. أُنْبُوءَةُ الْمَصْلِ..

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

كوبُ اللَّبَنِ

كُلُّ هَذَا يُشِيعُ بِقَلْبِي الْوَهْنَ

كُلُّ هَذَا الْبِياضِ يَذْكَرُنِي بِالْكَفَنِ! (دنقل، ۲۰۱۲: ۳۷۳)

(در اتاق‌های عمل / ماسک‌های پزشکان سفید بود / رنگ روپوش‌ها سفید بود / کلاه پزشکان سفید بود، لباس‌های راهبه‌ها / ملحفه‌ها / رنگ تخت‌ها / باندهای گاز و پنبه / قرص خواب / لوله سرم / فنجان شیر / همه این‌ها ضعف را در قلبم می‌پراکند / همه این سفیدی‌ها کفن را به یادم می‌آورد.)

شاعر در این قصیده از دلالت سطحی و واضح رنگ سفید که برای شادی و آرامش روحی است عدول می‌کند و با جنبه دیگر و عمیق‌تری که با حالت روحی او که خسته از بستری در بیمارستان است هماهنگ می‌شود. همه لوازم اتاق با رنگ سفید هماهنگ است. ماسک و تاج پزشکان، رنگ پتوها، پنبه و... همه سفید است. این رنگ روحیه شاعر را این‌گونه منعکس می‌کند که رنگ سفید پایان اجتناب ناپذیر و حتمی برای هر چیز و رنگ کفن است.

در این قطعه رنگ سفید جنبه منفی به خود گرفته و دچار نوعی دگردیسی معنایی شده است. در شعر دنقل، رنگ سفید به جای اینکه بر امید و خوشبینی و پاکی دلالت کند بر شومی دلالت می‌کند. حالت روحی که شاعر از آن رنج می‌برد باعث شد که دلالت‌هایی مخالف با دلالت‌های معمول برای رنگ سفید برگزیند. دلالت غالب برای این رنگ نزد دنقل، مرگ و غم و اندوه و گریه است.

امل دنقل قبل از بیماری رنگ سفید را برای عدالت، آزادی و زندگی به کار می‌برد؛ اما در طول دوران بیماری‌اش احساسش به این رنگ تغییر کرد و برای او به هشدار برای مرگ تبدیل شد.

دنقل در شعر «ضد من» علاوه بر رنگ سفید، از رنگ سیاه نیز استفاده می‌کند. شاعر با این دو رنگ، درگیری و جدال درونش را نشان می‌دهد.

فَلَمَّاذَا إِذَا مَتُّ..

يَأْتِي الْمَعْرُوفُ مُتَّشِحِينَ ..

بِشَارَاتِ لَوْنِ الْحِدَادِ؟

هَلْ لِأَنَّ السَّوَادَ ..

هُوَ لَوْنُ النِّجَاةِ مِنَ الْمَوْتِ؟

لَوْنُ التَّمِيمَةِ ضِدَّ.. الزَّمَنِ.. (همان: ۳۷۴)

(پس هنگامی که مردم.. / عزاداران آراسته به.. / نشانه‌های رنگ عزا می‌آیند / آیا برای اینکه سیاهی.. / رنگ نجات از مرگ است؟ / رنگ تعویذ ضد.. زمان است.)

دنقل در اینجا با شیوه طنز و تمسخر صحبت می‌کند. هنگامی که تصویر مرگ و نابودی آشکار می‌شود، گویی که بیماری مسری است که همراهانش می‌ترسند که به آنها منتقل شود پس سیاه می‌پوشند تا این سیاه مانند حرزی باشد که آنها را از این شر حفظ می‌کند. در واقع احساس عمیق دنقل به بی‌فایده بودن این تلاش‌ها و حتمی بودن مرگ باعث شده است که سخریه را به کار بگیرد. در نمونه زیر نیز همانند نمونه قبل، سفید را رنگ کفن می‌داند:

هَذَا هُوَ الْعَالَمُ الْمُتَّبَقِي لَنَا: إِنَّهُ الصَّمْتُ

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

والذِّكْرِيَّاتُ.. السَّوَادُ هُوَ الْأَهْلُ وَ الْبَيْتُ

إِنَّ الْبِيَاضَ الْوَحِيدَ الَّذِي نَرْتَجِيهِ

الْبِيَاضَ الْوَحِيدَ الَّذِي نَتَوَخَّذُ فِيهِ:

بِيَاضُ الْكَفْنِ! (همان: ۴۱۶)

(این همان جهان باقی مانده برای ماست: سکوت است/ و خاطرات.. سیاهی خانواده و خانه است / تنها سفیدی که به آن امید داریم / تنها سفیدی که در آن متحد می شویم: / سفیدی کفن است!)
رنگ سفید در شعر او القاگر ناامیدی و مرگ است:
عائدون.. وَأَصْغَرُ إِخْوَتِهِمْ (ذو العيون الحزينة)
يتقلب في الجُبِّ..

أَجْمَلُ إِخْوَتِهِمْ.. لَا يَعُودُ!

وعجوزٌ هي القدسُ (يشتعل الرأسُ شيئاً)

تشمُّ القميصُ فتبييضُ أعينُها بالبكاء..

ولا تخلع الثوبَ حتى يجي لها نَبَأٌ عن فتاها البعيد (دنقل، ۲۰۱۲: ۲۷۹)

(بازگشتند درحالی که کوچکترین برادرشان (که چشمانی اندوهناک دارد) / در چاه می افتد / زیباترین برادرشان باز نمی گردد! / پیرمرد و فرتوت همان قدس است (که موهای سرش سپید گشته است) / پیراهن را می بوید پس چشمان به خاطر گریه سفید (نابینا) می شود / و پیراهن را از تن بیرون نمی کند تا اینکه خبری از جوانش که دور است بیاید.)
شاعر با تلفیق سخن حضرت «زکریا» (علیه السلام) و داستان حضرت «یوسف» (علیه السلام) و همچنین استفاده از مفارقات لفظی، تصویری مطابق با اوضاع جامعه و روحیه خویش ارائه داده است. دلالت رنگ سفید در این واقعه دردناک پر از غم و ناامیدی است. دنقل در این قصیده، با تشبیه «سرحان»^۱ به حضرت یوسف (علیه السلام) و سرزمین قدس به حضرت «یعقوب» (علیه السلام)، میان داستان حضرت یوسف و این واقعه همانندی برقرار می سازد. در داستان حضرت یوسف (علیه السلام)، حضرت یعقوب (علیه السلام) با بوییدن پیراهن فرزندش چشمانش بینا می شود؛ اما در این شعر، قدس از شدت گریه چشمانش نابینا می شود؛ زیرا یقین دارد فرزندش که خیانت سران عرب او را به ته چاه انداخت، دیگر بر نمی گردد.

رنگ سپید نماد پاکی، عصمت و خلوص است. شاعران به شکل های مختلف از این رنگ بهره برده اند. شاعری که در شوک شرایط اجتماعی ناگوار مانده است، به دنبال تسکین می گردد و رنگ سفید را به یاری می طلبد؛ چرا که «سفید، شوکهای احساسی را تسکین می دهد و روح را پاک می کند.» (پورحسینی، ۱۳۸۴: ۱۸). کسرابی از این رنگ به عنوان رنگی پاک که همراه با پیام امید و آزادی می باشد، استفاده کرده است:

شبها که ستاره هم فروخته است

گل های سپید باغ بیدارند

^۱ «سرحان بشاره» فردی فلسطینی بود که به آمریکا مهاجرت کرده بود. او «روبرت کندی»، برادر رئیس جمهور آمریکا، را ترور کرد و محکوم به اعدام شد که بعدها مجازاتش به حبس ابد کاهش یافت. او به اسوه مقاومت و میهن پرستی تبدیل شد. (کیوان، ۱۹۸۸: ۵۲)

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

جان تشنه صبح روشنی پرداز (کسرایی، ۱۳۹۱: ۱۸۹)

ای کبوتران سپید بال پیام!

باور کنید که لب‌های آدمی

هنوز پاک‌ترین آشیانه‌هاست (همان: ۳۴۲)

بیشترین تجلی این رنگ در اشعار کسرایی در کنار رنگ سیاه است که این مسأله می‌تواند به دلیل شرایط یأس آلود و ماتم زده عصر او به خاطر مسائل و بحران‌های سیاسی باشد. آنچه مشهود است این است که کسرایی از این سیاهی ناامید نمی‌شود و همواره امیدوارانه به محیطش نگاه می‌کند. سفید نمادی از امید است که در تقابل با رنگ سیاه است و به شاعر امید می‌دهد:

مزارع سیاهپوش آدمی

با غنچه مشتهای سفید و

سرود سرخ

شهادت بر پرچم و

کینه

در شعر می‌گردید (کسرایی، ۱۳۹۱: ۵۱۸)

چو گل‌های سپید صبحگاهی

در آغوش سیاهی

شکوفای شو (همان: ۲۹)

در پهنه مشوش نیلاب آسمان

فریاد کودکی

چو غنچه‌ای سفید به باران سلام کرد (همان: ۴۱۲)

۳-۳- رنگ سبز

سبز رنگ طبیعت و آرام‌بخش‌ترین رنگ است. رنگ سبز مبین ایمان و توکل، عقیده دینی به رستخیز، حیات دوباره بشر و سرشار از تقدس و معنویت است. با این رنگ طراوت، تحرک، انرژی، آرامش، روشنی، رضایت، امیدواری، بهار، دانش، خوشحالی و لذت را تداعی می‌کنیم. (واردی، ۱۳۸۶: ۱۷۷)

سبز «به‌خاطر رابطه تنگاتنگی که با طبیعت دارد، نوعی پاکی و صفا را القا میکند که با باروری و رویش همراه است و برای همین مقدس به‌شمار می‌رود.» (پورحسینی، ۱۳۸۴: ۴۳) اهمیت این رنگ غالباً برای ارتباط با امید، خوشبینی، زیبایی، سرسبزی و رویش است؛ اما دنقل دلالت این رنگ را متفاوت و برای اشاره به غم و ناامیدی به کار می‌برد. به طور طبیعی، شاعران از قالب گیاهان با توجه به امید موجود در قانون رویش برای امید و آرامش بهره می‌برند؛ اما در نمونه زیر دنقل بر خلاف این قانون عمل کرده‌است:

تتحدت لی..

کیف جاءت لی..

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and
Research in Persian culture, language and literature

(وأحزأنا الملكة ترفع أعناقها الحضر)

كي تتمي لي العمر!

وهي تجود بأنفاسها الآخرة!!

كل باقه..

بين إغماء وإفاقة

تتنفس مثلي - بالكاد - ثانية.. ثانية

وعلى صدرها حملت - راضية

اسم قاتلها في بطاقة! (دنقل، ۱۹۹۱: ۳۷۶)

(برای من می گویند... که چگونه به نزد من آمدند / درحالیکه اندوه‌های ملوکانه‌شان گردنهای سبزشان را بالا می‌برد) / تا اینکه برای من آرزوی طول عمر کنند / درحالیکه نفس‌های آخرشان را می‌بخشند / هر دسته گلی.. / میان بیهوشی و هوشیاری / مثل من با - تلاش و سختی - ثانیه... ثانیه نفس می‌کشد / و بر سینه‌اش نام قاتلش را با رضایت در کارتی حمل می‌کند). میان عمر گلها و عمر شاعر ارتباط وجود دارد. گل نماد زیبایی و زندگی و طراوت است اما دنقل به آن کارکردی عکس می‌دهد تا وضعیت روانی و درونی خود را برای مخاطب بیان کند. گلها مانند شاعر درمانده و عاجز اند و نفس‌های آخرشان را می‌کشند. گردن‌های سبزشان را بالا می‌گیرند تا برای شاعر ما آرزوی عمر می‌کنند. این نمونه شعری از تجربه دردناک شاعر با بیماری سختش خبر می‌دهد.

«براساس نظر «آثر رامبو»، شاعر فرانسوی، هر رنگی احساس خاصی را به تصویر می‌کشد و رنگ سبز نمایان‌گر آزادی و رهایی نامحدود است.» (التدمری، ۱۹۹۶: ۱۳) این رنگ «نمایانگر هدف و اراده و عمل و رنگ استقامت است. (لوشر، ۱۳۷۸: ۸۰) شعر کسرایی، شعر حرکت است از این رو رنگ سبز در شعر او پربسامد و نشانگر نمو و زندگی، حرکت و رهایی، خیر و امید و شادی است:

نگاه دشت‌های سبز

تلاش بال‌ها

شکاف و رویش زمین پرورنده با من است (کسرایی، ۱۳۹۱: ۶۶۸)

غمت مباد و داغ دوری‌ات مباد

که لاله‌ها به کوه روشنند و رنگ بسته‌اند

که خارهای سبز سر کشند (همان: ۶۶۹)

از نگاه شاعر جوانه‌های امید روییده‌اند و مبارزان آماده چون خاری در چشم دشمنان فرومی‌روند.

دلا! بهار کند بار دیگر آزادی

هزار گل بشکفد به چشمت از شادی

درخت خشک کشد چتر سبز فام به سر

پرنده لانه دیرینه را کند بستر (همان: ۸۵۴)

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and
Research in Persian culture, language and literature

۳-۴- رنگ آبی

آبی، رنگی است درونگرا، که خداوند آن را برای تسکین و آرامش ناراحتیها، رنجها، خستگیها و نابسامانیهای زندگی روزمره، بر فراز کرهٔ خاکی آفرید (قاسمی، ۱۳۸۹: ۶۱۳) آبی رنگ صلح، آرامش، امید، پاکی و صفاست. (صائغ، ۲۰۰۳: ۳۱)

این رنگ در شعر امل دنقل، فقط در یک نمونه آن هم با نوستالژی بازگشت به گذشته زمین و زمان، با خوش بینی اندکی همراه است؛ زیرا آن هم در زمان حال وجود خارجی ندارد و اکنون فقط یک آرزو است:

أقول لكم أيها الناس كونوا أناسا!

... لا تدخلوا معمدانية^۲ الماء

بل معمدانية النار

كونوا لها الحطب المشتهي...

كونوا... إلي أن تعود السماوات زرقاء

و الصحراء بتولاً

تسیر علیها النجومُ حَمَلَةً بِسِلَالِ الْوَرُودِ (دنقل، ۲۰۱۲: ۳۴۴)

(ای مردم به شما می گویم که آدم باشید / وارد بابتیست آب نشوید / بلکه وارد بابتیست آتش شوید / برای آن هیزم مطلوب و خوب باشید / باشید... تا آسمان ها به آبی برگردد و صحرا به پاکی / در حالی که ستارگان حمل کنندهٔ سبدهای گل بر آن گذر می کنند.)

از خلال این نمونهٔ شعری، دیدگاه شاعر و تمایل او برای تغییر و دگرگونی کامل آشکار می شود. آتش، جنگ، شورش و انقلاب واقعیت جدیدی را خلق می کنند و مردم سوخت این آتش هستند تا آسمان آبی و صحرا پاک شود. شاعر مایل است که عیوب قومش را با آتش پاک کند و به آنها زندگی پاک و شرافتمندانه ای هدیه دهد.

این رنگ در سروده های دنقل بیانگر دو وجه مثبت و منفی است؛ اما وجه منفی آن غالب است. در این نمونه رنگ آبی به

دنیای غمگین شاعر برمی گردد:

فتح المذیاع... واستلقى!

وكان القدحُ الساخنُ..

في وحدته المستغرقة

(يدخلُ الطيفُ الذي يهبُ... بعتة)

..ألقتُ يدهُ السيجارةَ المحترقة

صرتُ النافذةَ المنعلقة...

(يعبرُ الغرفة:

فوق الحائط الأزرق.. صورة

ظلٌ يجلو تحتها خنجره.. مبتسما)

^۲. بابتیست (نام فرقه ای از مسیحیت است که به آنان تعمیدیون نیز می گویند).

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

مدّ ساقیه

وكان الرعبُ في عينيه.. (همان: ۲۰۴-۲۰۳)

(رادیو را روشن کرد.. و دراز کشید / لیوان داغ بود.. / در تنهایی اش غرق شده بود / (شبحی که ناگهان فرود می‌آید داخل می‌شود) / دستش سیگار سوخته را (به زمین) انداخت / پنجره بسته شده صدای جیرجیر داد / (از اتاق عبور می‌کند: / بالای دیوار آبی.. به شکل تصویری است / همچنان خنجرش در زیر آن، خندان می‌درخشد / پاهایش را دراز کرد / و ترس در چشمانش بود) رنگ آبی در اشعار کسرایی غالباً در قالب آسمان و دریا به کار رفته است و حس آرامش را به مخاطبان منتقل می‌کند:

خوشا به آب و آسمان آبی‌ات

به کوه‌های سربلند... (کسرایی، ۱۳۹۱: ۹۳۴)

بحر خاموش است، ساحل بینوا

آسمان آبی است، آرام است باد (همان: ۱۲۲)

۳-۵- رنگ قرمز

رنگ قرمز روحیه هجوم، برافروختگی و خشم، جنگ و انقلاب را نشان می‌دهد و بر حرکت و زندگی، شادی و ثروت نیز دلالت می‌کند. گاهی نیز عشق سوزان و جوانی را با این رنگ به تصویر می‌کشند. (محمدعلی، ۲۰۰۱: ۹۸) این رنگ از رنگهای متضاد است؛ چرا که بر شادی و اندوه و خشونت و نرمی دلالت دارد. (حمدان، ۲۰۰۸: ۵۱) کاربرد قرمز در دیوان دنقل بیشتر برای بیان مرگ و نابودی، شکست و اندوه و درد است.

وَمَنْ يَقْتُلْ أَطْفَالَ الْمَسَاكِينِ..

لِنَلَّا يَكْبُرُوا فِي الشُّقِّ الْمَفْرُوشَةِ الْحَمْرَاءِ

خُدَامِينِ..

مَأْبُونِينَ..

قَوَادِينِ.. (همان: ۳۲۰)

(و چه کسی کودکان فقیران را می‌کشد.. / تا در آپارتمان‌های فرش‌شده قرمز بزرگ نشوند / به عنوان خدمتکاران / فرومایگان / دلال‌ها و هرزه‌ها)

این نمونه شعری دنقل، پر از معنای ناامیدی و نگرانی از فساد است. آپارتمان‌های قرمز که فساد در آن جریان دارد، کانونی ساختگی برای نشان دادن یک واقعیت اجتماعی است که علیه آرمان‌های شاعر و طبقه اجتماعی او می‌باشد. شاعر در این شعر، رنگ قرمز را به فساد طبقه اشراف و فرش‌های قرمز آنها نسبت می‌دهد و آرزو می‌کند که ای کاش کسی کودکان آواره را نابود کند تا در این محیط‌ها به عنوان خدمتکارانی فرومایه و فاسد مشغول به کار نشوند و این لکه ننگ از دامن عربی زوده شود.

نافورة حمراء

طفلٌ يبيعُ الفلَّ بين العرَبات

مقتولةٌ تنتظرُ السيارةَ البيضاءً (همان: ۲۴۵)

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

(فواره‌ای قرمز / کودکی که میان ماشین‌ها گل یاس می‌فروشد / کشته‌ای که منتظر ماشین سفید (آمبولانس) است). در اینجا نیز شاعر از اوضاع حاکم بر جامعه‌اش سخن می‌گوید. رنگ قرمز نشانه خون و مرگ و رنگ سفید نیز نشانه پایان حیات است.

این رنگ عامل برانگیختن و رسیدن به پیروزی است. (لوشر، ۱۳۸۷: ۸۳) رنگ سرخ که دال بر خون است، نشانه «معنایی حماسی، حیاتی‌بخش و زاینده است و اگرچه معنای مرگ را در نهان دارد؛ اما این مرگ، مرگی زاینده روشنی و زندگی است. (صدیقی، ۱۳۸۴: ۱۸)

هدف از صفت واقع شدن رنگ سرخ برای کلماتی مانند؛ مرگ، پرچم، راه، زمین و ... در ادبیات و شعر؛ تشویق مردم، ارتقای روحیه شهادت‌طلبی و توصیف شهدا و... است. کسرای به خوبی و فراوان از این کارکردهای رنگ سرخ بهره گرفته و مفاهیم مورد نظر خود را به مخاطب منتقل می‌کند. او مفهوم شهید و شهادت و مرگ در مبارزه را این‌گونه بیان می‌کند:

مزارع سیاهپوش آدمی
با غنچه مشتهای سفید و
سرود سرخ
شهادت بر پرچم و
کینه
در شعر می‌گردید (کسرای، ۱۳۹۱: ۵۱۸)
اینک
ماییم و سرخ گل ما و چشم تر
با توده‌های پر
از بلبلان گمشده در پرده سحر
اما به گوش می‌شنوم من ز عمق باغ
آواز بلبلان بهاران دور را (همان: ۷۱۹)
کسرای چنان احساس شادی می‌کند که بر واژه‌های شعرش نیز ردای سرخ می‌پوشاند و اندوه از آن می‌زداید:
هم به شادی شما است
که شعر من
بی پیرایه وزن و واژه‌های فاخر
با ردای سرخ
به کوچه و میدان می‌زند (همان: ۶۱۳)

۳-۶- رنگ زرد

زرد از رنگ‌های گرم است و اوج افروختگی، تابندگی و اشراق را نشان می‌دهد و درخشنده‌ترین و نورانی‌ترین رنگ‌ها به‌شمار می‌رود؛ چرا که رنگ خورشید، منبع نور، منشأ گرمی و زندگی، فعالیت و سرور است. (شکری، ۱۹۸۵: ۱۸۵) رنگ بدبینی، اضطراب و ترس

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

از دست دادن موقعیت، زرد است؛ اگرچه به دلیل شباهت به گرمای دلپذیر نور آفتاب، روحیه شادی و خوشبختی و امیدواری دارد. (حجتی، ۱۳۸۳: ۹۱ و ۲۱۷) هر دو وجه آن در آثار ادبی به چشم می‌خورد. مفهوم منفی آن در ادبیات به معنای ناامیدی، غم و پژمردگی و بیماری هست.

دنقل همانند دیگر رنگ‌ها، از این رنگ نیز برای بیان ناامیدی و حزن بهره استفاده می‌کند و تلخی و ناگواری را با آن نشان

می‌دهد:

ما أقسى انتظاري

وفؤادي ساعة رملية صفراء

يهوي الرمل في أعماقها شيئاً فشيئاً

رما للرملِ طعمُ الملح أحياناً... و طعم الانتظار!! (همان، ۳۰۴)

(چقدر انتظارم سخت است / دلم ساعت شنی زرد است / شن کم کم در اعماقش فرومی‌رود / شاید گاهی اوقات شن طعم نمک دارد... و طعم انتظار!)

اگر چه کسرای به معنی منفی این رنگ یعنی ضعف و پژمردگی نگاه کرده است؛ اما بلافاصله بدنبال آن از امید می‌گوید:

آه اکنون دست من خالی است

بر فراز سینه‌ام جز بته‌هایی از گل یخ نیست

گر نشانی از گل افشان بهاران باز می‌خواهید

دور از لبخند گرم چشمه خورشید

من به این نازک نهال زرد گونه بسته‌ام امید (کسرای، ۱۳۹۱: ۹۵)

۴. نتیجه‌گیری

لایه‌های معنایی رنگ‌ها نقش مهمی در آشکار کردن نگرش‌ها، عواطف و درونیات شاعران دارند. در دیوان امل دنقل و سیاوش کسرای رنگ‌ها دارای مفاهیمی نمادین هستند که در این پژوهش با بررسی و مقایسه، معانی زیرین و پنهان آن‌ها آشکار گردید. هر دو شاعر در شرایطی نابسامان روزگار را سپری می‌کردند و از آن بسیار متأثر گشتند. آنها نمی‌توانستند ستم بیدادگران را مشاهده و سکوت کنند، از این رو با بهره‌گیری از کارکردهای عنصر رنگ احساسات و آرمان‌های خود را به مخاطبان منتقل می‌کردند. بررسی نمونه‌های رنگ در شعر آنان گویای این است که دنقل بیشتر از رنگ سیاه استفاده می‌کند. این نکته گویای روحیه ناامید اوست. جالب توجه این است که غلبه روحیه یأس در او به اندازه‌ای است که حتی رنگ سفید و رنگهای آرام بخش مانند سبز و آبی نیز در شعر او القاگر مرگ و نیستی است؛ اما کسرای شاعری امیدوار است و از رنگها برای بیان امید، شادی، مقاومت و خیزش بهره برده و این مفاهیم زندگی‌بخش را به هموطنانش منتقل می‌کند. این شاعر امیدوار حتی از رنگ سیاه بهره مثبت می‌برد و آنجا که از سیاهی می‌گوید حتما در کنار آن سپیدی را می‌آورد و بشارت روشنی و پیروزی می‌دهد.

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

۵. مراجع

۱. اسماعیلیپور، ابوالقاسم (۱۳۷۷) اسطوره، بیان نمادین. تهران: سخن.
۲. پورحسینی، مزده (۱۳۸۴) معنای رنگ. چاپ اول. تهران: هنر آبی.
۳. التدمری، محمد غازی و کمال یاسین الغزی (پورنا) النظرات فی الأدب العربی الحدیث. مصر: دارالإرشاد.
۴. حجتی، محمدمبین (۱۳۸۳) اثر تربیتی رنگ. قم: جمال.
۵. حمدان، احمد (۲۰۰۸) دلالة الألوان فی شعر نزار قبانی. رساله الماجستير. جامعة النجاح الوطنية، كلية دراسات العليا.
۶. خرماشاهی، بهاء الدین (۱۳۷۱) حافظ نامه. چاپ چهارم، تهران: انتشارات علمی - فرهنگی.
۷. خیتی، محمود عمر (۱۹۸۶) التطور الدلالي فی الشعر العربی السوری حدیثه و معا صره. إ شراف مازن الوعر. ر سالة الماج ستیر، جامعة دمشق.
- دنقل، أمل (۲۰۱۲) الأعمال الكاملة. الطبعة الثانية. مصر: دارالشروق.
۸. زغریت، خالد (۲۰۰۵) الأساس الواقعی لجماليات اللون فی شعر الأغرابة. مجلة حوليات التراث، العدد ۳.
۹. شكري، عبدالوهاب (۱۹۸۵) الإضاءة المسرحية. الهيئة العامة المصرية. القاهرة: الطبعة الأولى.
۱۰. صائغ، وجدان (۲۰۰۳) الصور الاستعارية فی شعر العربی الحدیث. الطبعة الاولى. بيروت: المؤسسة العربية للدراسات و النشر.
۱۱. صدیقی، مصطفی (۱۳۸۴) جستجوی خوش خاکستری. تهران: روشن.
۱۲. عبدالله، هناء (۲۰۱۷) سیمیا اللون فی شعر أمل دنقل. مجلة كلية الآداب. جامعة سوهاج. العدد الثاني و الأربعون.
۱۳. عمر، احمد (۱۹۹۷) اللغة و اللون. الطبعة الثانية. القاهرة: عالم الكتب للنشر و توزيع.
۱۴. قاسمی، ریحانه (۱۳۸۹) قرآن، تبیین آیات الهی با بهره گیری از زبان رنگها. قم: دارالقلم.
۱۵. کسرای، سیاوش (۱۳۹۱) مجموعه اشعار (از آوا تا هوای آفتاب). چاپ چهارم. تهران: نگاه.
۱۶. کیوان، عبدالعاطی (۱۹۸۸) التناص القرآنی فی شعر أمل دنقل. القاهرة: مكتبة النهضة العربية.
۱۷. لوشر، ماکس (۱۳۷۸) روانشناسی و درمان با رنگها. ترجمه نغمه صفاریانپور. تهران: حکایت.
۱۸. محمد علی، ابراهیم (۲۰۰۱) اللون فی الشعر العربی قبل الإسلام (قراءة ميثولوجية). طرابلس. الطبعة الاولى.
۱۹. محمدی فر، یوسف (۱۳۹۰) روانشناسی رنگها در بازاریابی و فروش. چاپ اول. تهران: درسا.
۲۰. نوفل، یوسف حسن (بالتاریخ) الصورة الشعرية و الرمز اللوني. القاهرة: دارالمعارف.
۲۱. نیکوبخت، ناصر و سید علی قاسم زاده (۱۳۸۴) زمینه های نمادین رنگ در شعر معاصر. نشریه دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشکده شهید باهنر کرمان. ش ۱۸. پیاپی ۱۵. صص ۲۳۸-۲۰۹.
۲۲. واردی، زربینتاج (۱۳۸۶) برر سی رنگ در حکایت های هفت پیکر نظامی. فصلنامه ادب پژوهی. دانشکده ادبیات گیلان. ش ۲. صص ۱۶۷-۱۸۹.